

# سیره امام (ره) در مدیریت، الگویی

## برای موفقیت مدیران

نوشته حجت الاسلام والمسلمین محمد صدقی

### چکیده

نقش اساسی مدیریت در ترقی جامعه‌ها چیزی نیست که بر کسی پوشیده باشد. بدون تردید هر جامعه‌ای که نردبان ترقی را پیموده از مدیریت شایسته برخوردار بوده است. در کشور ایران پیروزی انقلاب اسلامی و دستاوردهای مهم آن مرهون مدیریت توانای حضرت امام خمینی (ره) در روند انقلاب است. این مقاله ضمن اشاره به گوشه‌هایی از سیره عملی امام (ره) در مدیریت، نشان داده است که عامل مهم در مدیریت والای ایشان ایمان به هدف و مکتب بوده است. مدیریت امام (ره) از دیدگاه تکلیف‌گرایانه بود و ایشان براساس این دیدگاه که «مأمور به تکلیفیم» عمل می‌نمود و جز به تکلیف فکر نمی‌کرد. امام (ره) در روند مدیریت خود راهی را پیمود و دستورهایی را به کار بست که از مکتبش الهام گرفته بود و به درستی آن ایمان داشت. اخلاص در عمل را که عامل مهم دیگر در موفقیت هر مدیری است، پیشه خود ساخت، جز خدا و رضای او چیزی را در نظر نداشت. بدین نحو انقلاب را نه تنها در مرحله پیروزی بلکه بعد از آن نیز به مدت یک دهه در پیچیده‌ترین شرایط سیاسی و اجتماعی، با شایستگی اداره کرد. بنابراین رمز موفقیت امام (ره) در مدیریت به کارگیری دقیق دستورهای مکتبش است و ایشان با مدیریت شایسته خود که طرح و الگو را از مکتب گرفته بود ثابت کرد که دین و سیاست و مدیریت جامعه از هم جدا نیستند و فکر جدایی این دو، ریشه در ناآگاهی دارد.

### مقدمه

تکلیف فکر می‌کرد مدیریت این حرکت عظیم را به عهده گرفت که از آثار بسیار مطلوب این دیدگاه احساس پیروزی دایمی است چون نفس انجام تکلیف، خود پیروزی است. امام خمینی (ره) با بینش وسیع و مدیریت سازنده خود منادی اسلام زنده و پویا در اندیشه و عمل بود. با احیای الگویی که در متن اسلام وجود داشت توانست انقلاب اسلامی را در مسیر صحیح قرار دهد و با مدیریت قوی آن را در جهت بالندگی پیش برد که مدیریت شایسته

شخصیت امام خمینی (ره) از هر منظری نگاه شود صاحب مرتبت و مقام والا است. اما وجود ایشان به عنوان احیاگر بزرگ دین در قرن بیستم و مصلح اجتماعی در جهان اسلام و مدیری قوی و شایسته، از مهمترین جهاتی است که به این چهره درخشان و برجسته عالم اسلام پایگاه ویژه بخشیده است. مدیریت امام (ره) از دیدگاه تکلیف‌گرایانه بود و براساس اینکه مأمور به تکلیف است و تنها به

کمی مؤثر و مفید است و نه دلایل فلسفی کاربرد دارد به ناچار روش تحقیق در این مقاله با جمع‌آوری شواهد و قرائن و اسناد و مدارک و در نهایت استفاده از گروه شاهد می‌باشد. درست است که چنین روش مثل مسائل ریاضی و فلسفی دقیق نمی‌باشد و لکن در مورد موضوع مقاله عملی‌ترین راه است. بنابراین نوشته حاضر پژوهشی است مبتنی بر بررسی جنبه‌های رفتاری حضرت امام (ره) در بعد مدیریت و گردآوری نمونه‌هایی از مدیریت عملی ایشان با بررسی تطبیقی آن از متون اسلامی که در آماده‌سازی آن از شیوه کتابخانه‌ای استفاده شده است. امید اینکه مورد قبول حضرت حق قرار گیرد.

### مدیریت حضرت امام (ره)

برخلاف مدیریت تیلوریسم، که انسان وسیله و هدف تولید است<sup>(۱)</sup>، حضرت امام (ره) توانست مدیریت اسلامی را که در جهان‌بینی آن هدف انسان و کمالات اوست و چیزهای دیگر وسیله است، عملاً پیاده کند، و همه چیز را برای تأمین نیازهای معنوی و مادی انسانها و در یک کلمه برای کمال و تعالی انسانها بکار گرفت و همانند مدیری ماهر که باید به میزان امکانات آشنا باشد و بتواند پایه کار را بر به کار گرفتن آنها قرار دهد، حضرت امام (ره) با آگاهی زیاد و کافی از امکانات و نیروهای لازم خود و با مهارت بسیار شگفت‌انگیز آنها را در جهت هدف به کار گرفت و موفق شد.

امروز بحث رهبری (Leadership) علاوه بر کاربرد سیاسی، در مدیریت نیز به کار می‌رود. در دنیای امروز مدیریت و رهبری از اصول تفکیک‌ناپذیر اداره امور جامعه است و لکن آنچه در غرب از رهبری مورد نظر است تفاوت اساسی با رهبری مورد نظر در مدیریت اسلام دارد که مهمترین فرق بین این دو، همان رسالت و مسئولیت مدیر در تعالی انسان مشغول در سازمان است. بدین معنا که رهبری تعالی انسان برای مدیری است که بر صفات آن

امام (ره) در این تجلی یافت که الگوی گرفته شده از اسلام را با شرایط جامعه تطبیق داد و تئوری خویش را در بستر تحول جامعه اجرا نمود که پیروزی انقلاب اسلامی در یک جو ناباورانه جهانی ثمره مبارک مدیریت ایشان در عرصه احیای دین و سامان دادن جامعه است.

در روزگار ما جهان اسلام از ضعف مدیریت و نداشتن مدیر شایسته سخت رنجور است که موجب گرفتاری و نابسامانی روزافزون اسلام و مسلمین می‌باشد، بنابراین بسیار بجا خواهد بود که مدیریت امام (ره) الگو قرار گیرد و با پیروی از چنین سرمشق موقی مسلمانان عظمت از دست رفته خود را باز یابد.

مقاله‌ای که پیش‌رو دارید به مناسبت یکصدمین سالگرد میلاد امام خمینی (ره) و به جهت مدیریت شایسته ایشان، ضمن مشخص کردن ویژگی‌هایی از سیره عملی و مدیریت‌شان به رشته تحریر درآمده است، به این امید که پیروان خداجوی حضرتش ضمن الگو قرار دادن این ویژگیها در مدیریت سازمانهای اداری کشور تحولی سازنده و اساسی در جهت استقلال و رفاه و سعادت مردم به وجود آورند.

### روش بررسی

در این مقاله سعی شده به مهمترین ویژگیهای حضرت امام (ره) در مورد مدیریت پرداخته شود تا بدین وسیله چهره یک مدیر موفق ارائه گردد. در تهیه این نوشته ضمن استفاده از بیانات یاران حضرت امام (ره) که مدت زیادی از فیض حضورش خوشه‌ها چیده‌اند به منابع قرآنی و روایی آن ویژگیها در حدی که مقاله اجازه دهد اشاره شده است؛ با بحثی تطبیقی، تحلیلی از مدیریت حضرت امام (ره) انجام گرفته و به ریشه‌یابی آن از مکتب پرداخته شده است تا به غنای مقاله افزوده گردد.

باتوجه به اینکه مقاله حاضر نوشته‌ای تطبیقی تحلیلی است بنابراین در بررسی چنین مسائلی نه بررسی



برد.

این عوامل، مدیریت حضرت امام (ره) را در نوع خود به قدری عملی و نتیجه‌بخش و دقیق کرده بود که دوست و دشمن حتی آنهایی که به حضرتش به عنوان رهبر دینی اعتقاد نداشتند و غیرمسلمان بودند یقین کردند که اثر مدیریت خوب و دقیق و کاردانی رهبر انقلابی بود که این نهضت عظیم در کمترین مدت و با ضایعات کم نسبت به دستاوردهایش به پیروزی رسید و تمام نقشه‌های دشمنان را عقیم گذاشت. سرعت عمل و دقت مدیریت چنان اعجاب‌انگیز بود که بزرگترین سازمانهای اطلاعاتی در حالی که شگفت زده بودند توان پیش‌بینی و جلوگیری از آن را نداشتند و هر نقشه‌ای برای جلوگیری از حرکت و یا کند کردن آن بی‌فایده بود زیرا همواره عقب‌تر از روند انقلاب بودند. اینک وقت آن رسیده که به گوشه‌هایی از مدیریت حضرت امام (ره) پرداخته شود:

### ایمان به راه و اهداف

یکی از ویژگیهای مهم برای موفقیت مدیر ایمان به درستی راه و حقانیت هدف است و اگر مدیری باور داشته باشد که راه و مقصدش حق است عاشقانه فعالیت می‌کند و در چنین شرایط است که استعدادها شکوفا می‌شود و نتایج کار درخشان خواهد بود به طور یکه هیچ مانعی مدیر را از کار خود نمی‌تواند باز بدارد بلکه مدیر است که با استقامت به تمام موانع چیره خواهد شد.

حضرت امام (ره) از مدیرانی بود که به راه و هدف خود که جز اسلام و اجرای قوانین آن نبود ایمان داشت و رسیدن به آن هدف را وظیفه و پیاده کردن برنامه خود را واجب و لازم می‌دانست به طوری که بارها فرموده بودند که تمام مقصد ما مکتب ماست و این هدفی مقدس بود که وی را برای تحمل تمام مسائل و مشکلات آماده کرده بود. در مورد ایمان حضرت امام (ره) مرحوم شهید مطهری می‌فرماید: «آمن بسبیله و آمن بهدفه» یعنی ایمان به راه و

متکی است و نسبت به بیان و پیاده کردن ارزشهای متعالی بر مجموعه خود اصرار دارد (۲).

اصولاً مدیریت مقوله‌ای است که با روح و روان انسانها سروکار دارد و روح و روان پدیده‌ای است که نه می‌تواند در زمان محصور شود و نه در مکان و لذا هیچگاه در آزمایشگاهی نسبت به کشف روابط بین پدیده‌های مختلف حاصل از فعل و انفعالات روحانی و یا روانی مدیران و افراد سازمان تجربه مشخص و ثابتی به دست نیامده است و اگر از طریق روشهای مشاهده یا توزیع پرسشنامه، مورد ملاحظه و مطالعه قرار گرفته‌اند و از این رهگذر نتایجی به دست آورده‌اند، آثار این نتایج حداکثر قضاوتی نسبی برای مقطع زمانی خاصی است و فقط برای همان گروهی که در آن زمان تحت پرسش یا مشاهده قرار گرفته‌اند تا حدودی قابل تعمیم است. پس روح و روان مثل جسم انسان نیست که همانند پزشک برای آن و روابطش نسخه بنویسد و از اینجاست که وقتی از رسول خدا (ص) در مورد روح سؤال می‌شود خداوند متعال می‌فرماید: بگو روح از امر من است (۳)، مربوط به من است.

حضرت امام (ره) با مدیریت خود توانستند در عمل نشان دهند که مدیریت اسلامی می‌تواند عملاً این روابط را به بهترین وجه برقرار نماید و می‌شود گفت هنر مدیریت ایشان در همین بود. ایشان با تکیه بر آموزه‌های مکتبی در ایجاد هماهنگی بین روابط انسانی و در فراهم آوردن زمینه‌های رشد و خلاقیت استعدادها و به کار گرفتن درست و مشروع نیروهای انسانی و مادی مجموعه، در جهت پیشرفت، بسیار قوی بود. شخص حضرت امام (ره) به عنوان مدیر و مسئول اجرای هماهنگی و فراهم آورنده زمینه رشد مدیری بود آگاه به مکتب و اهداف آن، لایق و صاحب فکر، فارغ از هرگونه مسئولیت اجرایی ولی ناظر تیزبین و حاضر و هماهنگ‌کننده و فرمان‌دهنده به رکنهای اجرایی سازمان بود و مجموعه خود را به عنوان یک سازمان توحیدی به تعالی و کمال کشاند و به سوی خدا

صورت یک رابطه صمیمانه و تنگاتنگ بین امام و امت تجلی کرده بود و یک رابطه بسیار قوی که گاهی امام (ره) خطاب به مردم می‌فرمود: «شما می‌دانید که من نسبت به شما عشق می‌ورزم، شما بر من منت دارید» و آن‌قدر به مردم، رأی و فکر آنها ارزش قایل می‌شدند که می‌فرمودند: اینها ولی نعمت ما هستند، اینها ما را آزاد کردند. امام (ره) تکیه‌گاهش بعد از خدا - مردم بود نه خودش، تا می‌خواست بگوید من می‌فرمود: عنایت خدا بود و شما مردم، من کاری نکردم من کی هستم! (۷)

### اخلاص حضرت امام (ره)

اخلاص از خود و خودی گذاشتن و به خداوند متعال پیوستن است که در هر لحظه و حال رنگی جز رنگ خدای متعال وجود ندارد در این صورت فکر انسان و فعالیت بدنی همه برای خدای متعال می‌باشد. طبیعی است اگر یک مدیر چنین باشد در حوزه مدیریت وی نه تنها خلائی انجام نمی‌گیرد بلکه بدون داشتن کوچکترین پاداش دنیوی برای انجام وظیفه الهی بی‌وقفه و با جان و دل تلاش می‌کند و هرگز به شکست و ناکامی فکر نمی‌کند زیرا هر قدم را موفقیت و پیروزی می‌داند.

حضرت امام (ره) به عنوان یک مدیر به این مسئله توجه دارد که اگر کاری برای خدا انجام بگیرد همواره خدا یار و یاور است و هر لحظه موفقیت مسلم خواهد بود زیرا این وعده حتمی است که خداوند متعال فرموده است: «والذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبلنا»<sup>(۸)</sup> یعنی آنانکه در راه خدا به جان و مال کوشش کنند مسلماً آنها را به راه خود هدایت می‌کنیم». حضرت امام (ره) در حرکت خود هدفی جز خدای متعال و مکتب ندارد و فکری جز انجام وظیفه شرعی نمی‌کند و در این راه غیر از خدا از کسی نمی‌ترسد. گویند دستگاه طاغوت قبل از حادثه پانزده خرداد ۴۲ به محضر مبارک حضرت امام (ره) فردی را می‌فرستد و با التماس می‌خواهد که امام کاری به کار دولت نداشته باشد.

هدفش داشت<sup>(۴)</sup>. قدرت روحی شگفت‌انگیز رهبری انقلاب نتیجه چنین ایمان بود که در روند انقلاب همواره با آن قوت قلب، مشکل‌گشایی می‌کرد و هر مانعی را با پایداری خاص خود از میان برمی‌داشت و هیچ مشکلی ولو بزرگ همانند شهادت فرزندی مثل حاج آقا مصطفی در اراده آهنین ایشان کمترین تزلزل را نتوانست ایجاد بکند. بنابراین می‌شود گفت که از ابزار مهم موفقیت یک مدیر ایمان وی به راه و هدفش می‌باشد.

### ارتباط با مردم

به نظر تیلور - پدر مدیریت علمی - یکی از اصول مدیریت علمی همکاری صمیمانه با کارکنان و ایجاد زمینه مشارکت افراد در اداره امور است برای اطمینان از انطباق کار آنها با اصول و موازین علمی<sup>(۵)</sup>.

بدیهی است همکاری صمیمانه با کارکنان و شرکت دادن آنها در امور در تشویق آنها نقش بسزایی را داراست و لذا موجب شکوفایی استعدادها و پیش بردن کارها و ایجاد خلاقیتها خواهد شد. همه اینها تنها در صورتی میسر است که مدیر به مردم خود عشق و ایمان داشته باشد و به آنها در انجام کارها اطمینان بکند پس ارتباط صمیمانه مدیر با افراد زیرمجموعه خود از ویژگیهای مهم موفقیت وی می‌باشد.

ارتباط و علاقه امام (ره) با مردم به قدری استثنایی بود که می‌شود گفت یک علاقه عادی نبود بلکه یک عشق بود همانگونه که خداوند درباره علاقه پیامبر با مردم می‌فرماید: «حریص علیکم بالمومنین روف رحیم»<sup>(۶)</sup> یعنی بر آسایش و نجات شما بسیار علاقه دارد و به مومنین رثوف و مهربان است، امام (ره) همانند پیامبر به مردم دل می‌سوزاندند و همچو یک پدر مهربان سعادت مردم را می‌خواستند، به طوری که در این مورد اگر بگوئیم مدیریت امام (ره) یک نمونه بی‌نظیر از مدیریت است اغراق نکرده‌ایم. به تعبیر مرحوم مطهری حضرت امام (ره) (آمن بقومه) به مردم خود ایمان داشت و این ایمان به



حضرت امام (ره) در جواب می‌فرماید: «من هر جا وظیفه شرعی ایجاب کند نمی‌توانم ساکت بنشینم»<sup>(۹)</sup>.

یکی از بزرگان و یاران امام (ره) گوید: نامه‌ای خدمتش نوشتم و خواهش کردم مرا نصیحت کند در جواب مرقوم فرمودند: بهترین موعظه پند قرآن کریم است: «قُلْ انما اعظکم بواحدہ ان تقوموا لله مثنی و فرادی» یعنی بگو من به یک پند شما را موعظه می‌کنم و آن اینکه شما برای خدا قیام کنید دو نفر دو نفر باهم یا یک یک تنها.

این در نظر ایشان عمده بود و ما در معاشرتهایی که با ایشان داشتیم توجه ایشان به خدا و اخلاص برای خدای متعال را در وی یافتیم<sup>(۱۰)</sup>.

در روایت داریم که «من اخلص لله اربعین صباحاً جرت ینابیع الحکمہ من قلبه علی لسانه»<sup>(۱۱)</sup> یعنی اگر کسی چهل روز اخلاص داشته باشد خداوند متعال حکمت، مطالب واقع را که فکر انسانهای عادی به آنها نمی‌رسد بر قلب او جاری می‌کند. به نظر نویسنده، این اخلاص بود که نهضت امام را قرین موفقیت نمود. خود حضرت امام (ره) بعد از برگشتن به وطن فرموده بودند: علت اینکه این مدت تبعید شدم یک آن از خدای متعال غفلت کردم و آن زمانی بود که به امام (ره) گفته بودند قدری آرام بگیرید ممکن است رژیم شما را دستگیر کند امام فرموده بود: دیگر رژیم نمی‌تواند، زیرا مردم پشتیبانم هستند و این همه تبعید چوب آن یک جمله است<sup>(۱۲)</sup>. بنابراین یکی از رموز مهم موفقیت یک مدیر اخلاص وی می‌باشد که هدفی جز خدا نداشته باشد.

### شرح صدر امام (ره)

آنگاه که حضرت موسی (ع) در پیشگاه پر عظمت پروردگار عالمیان قرار می‌گیرد و به افتخار رسالت و مأموریت الهی نایل می‌شود و مستقیماً با پروردگار عالم سخن می‌گوید اولین خواسته او سعه صدر است: «قال رب اشرح لی صدري یعنی موسی به خدا عرضه داشت که

شرح صدر به من عطا کن»<sup>(۱۳)</sup>. مهتمتر از این، خداوند متعال نیز اولین نعمتی را که به رخ پیامبر بزرگوار اسلام (ص) می‌کشد و بر او منت می‌گذارد این است که «الم نشرح لک صدرک. آیا سینه ترا فراخ نکردیم»<sup>(۱۴)</sup>؟

شرح صدر را به معنای گسترده شدن نیروی مال‌اندیشی روح و روان و یا جامع‌الاطراف گردیدن انسان می‌توان معنا کرد که در پرتو آن ظرفیتهای متناسب با حوادث در انسان متجلی می‌شود و انسان را از خود سری و شتابزدگی در تصمیم و اضطراب در حوادث و برخوردهای خشم‌آلود و بی‌مورد باز می‌دارد. با اندک تأملی می‌توانیم فلسفه بسیاری از مشکلات و شکستهای فردی و اجتماعی را در جهت عکس آن که همان ضیق صدر و تنگ‌نظری است پیدا کنیم. پس شرح صدر درحقیقت یکی از بزرگترین نعمتهای الهی است که به فرد عنایت می‌گردد. و این نعمت به هر کسی اعطا شده باشد می‌تواند بسیاری از مسائلی که در اداره امور لازم است به دست آورد و از بروز مشکلات جلوگیری بکند.

امام علی (ع) می‌فرماید: «آلة الریاسة سعة الصدر»<sup>(۱۵)</sup>. فراخی سینه و صبر وسیله ریاست است. فرمایش امیرالمؤمنین (ع) رابطه تنگاتنگ این دو را می‌رساند و معلوم می‌دارد که اگر سعه صدر نباشد ریاست بدون وسیله و ابزار است که عملاً ممکن نخواهد بود زیرا مدیری که سعه صدر ندارد در رفتار و برخورد با افراد و مسائل، تنگ‌نظرانه تصمیم می‌گیرد و با بی‌صبری عمل می‌کند که نتیجه‌ای جز نارضایتی همکاران و تباهی کار نخواهد داشت.

حضرت امام (ره) یک نمونه‌اعلی از صفت شرح صدر است. تاریخ زندگی امام (ره) و روابط ایشان با دیگران و مسائل، همه گواه این معناست و شاید یکی از زیباترین و ظریف‌ترین فرازهای زندگی حضرت امام (ره) همان شرح صدر وی می‌باشد. از فرازهای تجلی شرح صدر حضرت امام (ره) برخورد گرم، صمیمانه و عاشقانه امام و امت

ایستادگی نمود و بدون کوچکترین انحراف از مقصد، انقلاب و امت را با سرافرازی از این مشکلات رهانید. در حادثه هفتم تیر هنگامی که خیر شهادت مرحوم بهشتی و یارانش به دفتر امام (ره) می‌رسد همه مضطرب و نگران از اوضاع بودند و از طرفی نمی‌دانستند که خبر را چگونه به گوش حضرت امام (ره) برسانند زیرا سلامت خود ایشان بسیار مهم بود. لکن وقتی که از یاران امام (ره) جهت گزارش مسئله به خدمت می‌رسند ایشان با آرامش خاص خود که حاکی از استقامت و بردباری است به یاران دلداری داده توصیه به استقامت می‌کند و این در حالی بود که از اعلامیه حضرتش در مورد شهادت مرحوم دکتر بهشتی و یارانش پیداست که این شهادت برای امام (ره) چه سخت بوده است و لکن بردباری ایشان تمام سختیها را به آسانی مبدل کرد. همین طور در انفجار نخست وزیری و شهادت مرحوم رجایی و باهنر همه دیدند که امام (ره) علیرغم علاقه شدیدش به این دو بزرگوار کوچکترین تزلزل در ادامه مسیر پیدا نمی‌کند و با اطمینان به پیروزی حرف می‌زند همانند مولایش امیرالمومنین مثل کوه استوار (۱۷) ایستاده است (۱۸). مهمتر از اینها شهادت فرزند بزرگوارش حاج آقا مصطفی، فرزندی که بس شایسته و لایق بود و لکن حضرت امام (ره) با شهادت وی نیز در مسیر هدف نه تنها متزلزل نمی‌شود بلکه بر عزم خود می‌افزاید یکی از اعضای دفتر امام در این خصوص گوید: یک چنین فاجعه نه فقط برنامه عادی درسی و علمی و اجتماعی و سیاسی امام (ره) را به هم نمی‌زند بلکه به صلابت و قاطعیتش فزونی می‌بخشد (۱۹).

نمونه دیگر از مواردی که استقامت و بردباری مدیریت امام (ره) نقش بسیار مهم را داشته است در برخورد با افکار گروهکهای متعدد در اوایل انقلاب بود. انقلاب ایران همانند انقلابهای دیگر در روزهای اول با شرایط حساس داخلی و خارجی روبه‌رو بود که یک ناپختگی ممکن بود مشکلات غیرقابل جبران به وجود

است. این قسمت از مدیریت معظم له و اینکه زبان واقعی مردم و بیان عمیق اندیشه آنان را تشخیص داده بود ویژگی منحصر به فرد ایشان می‌باشد. همانند پدری مهربان که خواسته‌های فرزندان خویش را احساس می‌کند، درد مردم را درک می‌کند و همواره می‌فرمود: ما با مردم کوخ‌نشین کار داریم و باید برای آنها کار کنیم (۱۶). بدون تردید این بخش از مدیریت حضرت امام و شرح صدر وی در برخورد با مسائل و مردم از عوامل بس بزرگ موفقیت امام (ره) است. از فرازهای دیگری که ویژگی شرح صدر آن امام راحل، تجلی کرده در مورد مسئله انحلال ارتش بود که عده‌ای در اوائل انقلاب با بی‌تدبیری و شاید با سوءنیت خواهان انحلال ارتش بودند و لکن امام (ره) با تدبیر و سعه‌صدر خود در مقابل این خواسته ایستاد به طوری که نه مسئله حادی پیش آمد و نه ارتش منحل شد و گذشت زمان و جنگ تحمیلی ثابت کردند که چه تدبیر خردمندانه و مهمی را به کار بسته‌اند.

### استقامت و بردباری امام (ره)

هر مدیری در دوره مدیریت خود طبعاً با ناملایمات گوناگونی مواجه می‌شود که اگر با آنها برخورد صحیح نشود چه بسا تمام تشکیلات را به هم می‌ریزد. اساساً مدیریت خوب هر مدیر در چنین موارد معلوم می‌شود. در بسیاری از اوقات تنها راه حل معضلات در چنین حالات بردباری و استقامت می‌باشد زیرا سیلی که در حال جریان است نمی‌شود بدون نقشه در جلو آن ایستاد و مهار کرد. لذا قرآن کریم می‌فرماید «وان تصبروا و تتقوا فان ذلک من عزم الامور یعنی اگر صبر پیشه کنید و پرهیزکار شوید که ثبات و تقوی سبب نیرومندی و قوت اراده در کارهاست».

حضرت امام (ره) بارها در برابر مشکلات سختی که حیات انقلاب را به خطر می‌انداخت و بسیاری از یاران را نگران می‌کرد به تنهایی و با استقامت بی‌نظیر خود



آورد. توسطه‌های رنگارنگی از خارج انجام می‌گرفت. گروه‌کهای متعددی در داخل تلاش داشتند رهبری انقلاب را در اختیار گیرند و یا لاقلاً در آن مشارکتی داشته باشند. و لکن این مدیریت شایسته و نوح‌وار حضرت امام (ره) بود که با صبر و استقامت خاص خود کشتی انقلاب را به سلامت به ساحل رساند و اگر این نبود با توجه به چهره‌های فریبنده توطئه‌ها انقلاب مسلماً ضربه می‌دید.

### اطمینان خاطر امام (ره)

همان طور که برای هر مدیر صبر و استقامت در برابر نامالیقات مهم است اطمینان خاطر داشتن و آرامش روحی در شرایط سخت نیز در موفقیت هر مجموعه بسیار مؤثر است. مدیر باهوش با آرامش روحی خود در چنین شرایطی موجب رفع نگرانی در اعضای مجموعه می‌شود. یکی از بارزترین صفات روحی حضرت امام (ره) به عنوان یک مدیر، اطمینان خاطر ایشان بود و در فراز و نشیبها حتی یک لحظه دچار اضطراب نگردیده است و در هیچ حادثه تلخ و لو هر قدر سخت خود را نباخته همیشه چهره مصمم و جدی ایشان موجب سکون خاطر و اطمینان سایرین گردیده است.

در اشغال لانه جاسوسی امریکا نیروهای انقلابی گرچه با اصل موضوع مخالف نبودند ولی به جهت عواقب نگران‌کننده آن مضطرب بودند و دست به عصا راه می‌رفتند. این تنها حضرت امام (ره) بود که آن جمله تاریخی خود را فرمود: امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند که این یک جمله با اینکه کوتاه بود اما یک دنیا اطمینان به حزب... داد. این جمله امام (ره) همانند آن حرفی بود که هفده سال قبل به شاه فرموده بود: بیرون می‌کنم (۲۰).

از مواردی که ویژگی اطمینان خاطر امام (ره) تجلی کرده در موفقیت و پیروزی نهایی انقلاب بسیار کارساز بود در هنگام حمله بسیار حساب شده عراق به ایران بود که در یک لحظه فرودگاههای ایران بمباران شد، هزاران تانک و

نفرین با متجاوز از صدهزار نظامی از سراسر مرزها به ایران حمله کردند. اضطراب و نگرانی همه جا را فرا گرفته روحیه‌ها بسیار پایین بود. سران ارتش سراسیمه به جماران رفتند. چشمان میلیونها انسان به خانه امام (ره) دوخته شد که امام چه خواهد کرد. اما امام (ره) قبل از همه باید دل‌های نگران را آرام و مطمئن سازد و آنگاه به آنان تفهیم کند که اینجا جای عجله و شتاب نیست، موقع اراده و خویشتن‌داری و تسلط بر اعصاب است زیرا نیروی متجاوز که با غرور در خاک کشوری پیش رفته و سرمست از پیروزی است نه ضعف روحیه دارد و نه کمبود سلاح. پس باید زمان را به نفع خود تغییر داد. لذا امام (ره) ناگهان فرمود: «دزدی آمد سنگی انداخت و رفت» این جمله آب اطمینان بود بر شعله‌های احساسات و با این فرمایش که این جنگ نعمت الهی بود به آرزوهای بلندپروازانه صدام می‌خندد. گویا شکست حتمی وی را در قدم به قدم خاک جبهه ترسیم می‌کند و می‌فرماید: «صدام جز خودکشی راهی ندارد (۲۱)».

نویسنده‌ای مسیحی بعد از برگشت از ایران چنین نوشت: من با اینکه خیلی از شخصیتها و سیاستمداران جهانی را دیده‌ام ولی تا به حال کسی را به اندازه رهبر انقلاب ایران اینگونه صمیمی و مطمئن و آرام ندیده‌ام او در عین حال که مردی انقلابی و خستگی‌ناپذیر است ولی گویا دنیایی از آرامش و اطمینان او را همراهی می‌کند (۲۲).

### نظم مدیریتی امام (ره)

شاید کمبودهای جوامع، مشکل بزرگ آنها نباشد بلکه آنچه جوامع را همواره رنج می‌دهد و درحقیقت مشکل بزرگ آنها را تشکیل می‌دهد چیزی جز ضعف نظام مدیریت نباشد. با یک نگاه به آیات آفاق و انفس و ملاحظه نظم شگفت‌انگیز آن به راحتی پی می‌بریم که جهان مجموعه‌ای منظم تحت مدیریت مدبری توانا اداره می‌شود. لذا از دیدگاه جهان‌بینی توحیدی مجموع عالم

که به گفته یکی از یارانش می شد انسان از روی کارهای امام (ره) ساعت را تنظیم نماید (۲۶).

### دقت در مصرف بیت المال

بدیهی است هر مجموعه‌ای جهت استمرار حیات خود از بودجه مالی خاصی برخوردار می باشد که این بودجه بیشتر زیر نظر مدیر است و با صلاحدید و امضای وی هزینه می شود. از آنجایی که بخش مالی سازمان می تواند در ترقی و سعادت آن نقش بسیاری داشته باشد پس اگر مدیر در مصرف آن بودجه دقت داشته باشد و سنجیده قدم بردارد می تواند ضمن جلوگیری از حیف و میل بیت‌المال، مجموعه تحت نظر خود را هرچه بیشتر به سوی سعادت و ترقی و رسیدن به اهداف لازم به حرکت درآورد.

حضرت امام (ره) از جمله مسائلی که بسیار دقت داشت و سعی می کرد کمترین انحرافی در آن به وجود نیاید مصرف بیت‌المال بود و همانند مولای خود امیرالمؤمنین علی (ع) (۲۷) هیچ اجازه نمی داد از بیت‌المال مصرف شخصی بشود و یا در مصرف مشروع زیاده روی و اسراف بشود. گویند روزی لازم بود حضرت امام (ره) به تشییع جنازه یکی از بزرگان تشریف ببرند. اطرافیان جهت رفتن حضرت امام (ره) ماشینی را درست کرایه می کنند. هنگامی که از صورت حساب باخبر می شود با حال تغییر به آن شخصی که حساب در دستش بود فرمودند: «تو احتیاط نمی کنی شما برای ماشین یک دینار - ۲۰ تومان - پرداختی؟» عرض کردم من فکر کردم که حضرتعالی معطل می شوید فرمودند: (نه، من هم مثل دیگران، چرا اینجوری کردی؟) (۲۸).

در نجف اشرف برای کارهای شخصی تلفن از دفترشان را فقط به داخل شهر اجازه داده بودند حتی به احمد آقا فرموده بودند که حق نداری به تهران یا جای دیگر زنگ بزنی. بلی در جهت انقلاب می شد حتی اعلامیه را با

یک واحد بیش نیست که تمام اجزای آن با نظم به هم مرتبط می باشد که تحت حاکمیت حساب و کتاب و نظمی خاص اداره می شود: «وضع المیزان» (۲۳). بدیهی است اگر اجزا چنین مرتبط به هم هستند تخلف از آن ممکن نمی باشد «لاتطغوا فی المیزان» یعنی شما انسانها نیز بخشی از این مجموعه بزرگ منسجم هستید و نباید از آن تخلف کنید، چون وصله ناهماهنگ هرگز ممکن نیست. و بدین جهت یکی از برهانهای مهم خدانشناسی نظم است زیرا حاکی از مدیر و ناظم قدرتمند می باشد. بنابراین، نظم دقیق نشانه مدیریت خوب و قوی مدیر است. اگر تشکیلات و مجموعه را یک جسم فرض کنیم مدیریت روح آن است چون مدیریت به نیروها جهت، انگیزه سازمان، کنترل و هماهنگی می دهد. لذا حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) از بستر شهادت سفارش می کند: «اوصیکما و جمیع ولدی و من بلغه کتابی بتقوی الله و نظم امرکم» (۲۴).

حضرت امام (ره) همه کارهایش و زندگیش نظم داشت و چنان نظم مراعات می شد که انسان در حیرت می ماند و فرمایش امیرالمؤمنین علی (ع) در مورد نظم دقیقاً در زندگی آن بزرگوار مشهود بود. خود امام (ره) می فرمودند: «اگر در زندگی مان، در رفتار و حرکاتمان نظم بدیم فکرمان هم بالطبع نظم می گیرد وقتی فکر نظم گرفت انسان در زندگی نظم داشت یقیناً از آن نظم فکری کامل الهی هم برخوردار خواهد شد» (۲۵). طبیعی است اگر چنین بشود لغزشها و اشتباهات کمتر می شود و انسان در مرحله‌ای قرار می گیرد که جز برای پیاده کردن اوامر الهی و رضایت او به چیز دیگری توجه نخواهد کرد.

همان قدر که نظم از عوامل مهم موفقیت هر مدیری است بی نظمی نیز تأثیر بسیاری در عدم توفیق مجموعه خواهد داشت زیرا بسیار طبیعی است اگر در یک دستگاه عضوی نامنظم باشد به تدریج تمام اعضای مجموعه مشکل پیدا می کنند و در نهایت کارها به زمین می ماند. امام (ره) با چنین باوری به قدری در کارهایش نظم داشتند



تلفن منتشر بکنیم (۲۹).

اصولاً از نظر اسلام مصرف مال حتی در مال شخصی حساب خاص خود را دارد و طبق روایتی در روز قیامت یکی از سؤالات از مال انسان است که از کجا آورده و در کجا مصرف کرده است (۳۰). و در روایتی از علی (ع) داریم که فرمودند «در حلال آن حساب است و در حرام آن عقاب (۳۱)». بدین ترتیب از تصرف مال حرام و مصرف کردن بیت‌المال در موارد غیر مجاز، معصومان (ع) شدیداً هشدار داده‌اند. نقل است که روزی عقیل برادر حضرت علی (ع) در ایام حکومت برادرش به خدمت وی می‌رسد و از سختی روزگار و گرفتاری و قرض خود شکایت می‌کند و خواستار سهمی اضافه از بیت‌المال می‌شود. حضرت علی (ع) از آتشی که در اتاق بود قطعه زغالی را به دست عقیل می‌زند. وقتی عقیل نمی‌تواند تحمل کند و اعتراض می‌کند حضرت خطاب به برادرش می‌فرماید: برادر تو به آتش دنیا توان نداری پس چگونه مرا به آتش جهنم دعوت می‌کنی (۳۲)؟

براساس دقت در مصرف و صرفه‌جویی، شما در منزل امام یک چراغ اضافی پیدا نمی‌کردید که روشن شود. یا در هنگام وضو گرفتن امام یک قطره آب اضافه مصرف نمی‌کرد و در فاصله شستن اعضای وضو شیر آب را می‌بستند. امام (ره) مرتب تذکر می‌دادند که در مصارف دقت شود و گاه سؤال می‌فرمودند که چرا زیاد شده است مواظب باشید.

## سادگی و پرهیز از رفاه‌طلبی

نه تنها دقت یک مدیر در مصرف و هزینه‌ها موجب موفقیت وی و مجموعه تحت نظر می‌شود بلکه از عوامل مهم موفقیت در مدیریت و ایجاد اطمینان در اعضای تحت مدیریت ساده زیستی مدیر است. اگر بگوئیم یکی از عوامل مهم در توفیق امام (ره) زندگی بسیار ساده و بی‌اغراق نکرده‌ایم. زندگی شخصی امام (ره) به عنوان

مدیر جامعه به قدری ساده و محقرانه بود که بارها مهمانان را بخصوص مهمانان خارجی را تحت تأثیر شدید قرار می‌داد (۳۳). شوارد نادره وزیر خارجه شوروی سابق بعد از زیارت این مدیر الهی در خانه محقر جماران گفته بود: «من بسیاری از رهبران جهان را دیده‌ام ولی دیدار با امام (ره) برایم عجیب بود و چنان مرا متحول کرد که دیگر نتوانستم سخنی بگویم (۳۴)».

حضرت امام (ره) همواره ساده می‌زیست ساده می‌پوشید، ساده می‌خورد؛ از غذای چرب و نرم همواره پرهیز می‌کرد در رفت و آمد پیاده حرکت می‌کرد و علی‌رغم اصرار ارادتمندان در نجف اشرف از گرفتن اتومبیل و رفت‌وآمد با ماشین خودداری می‌کرد. همین‌طور از رفتن به کوفه به جهت هوای خنک آنجا خودداری می‌کرد چون نیاز به خرید خانه اضافی می‌شد (۳۵).

امام (ره) در حالی که خود شدیداً ساده زندگی می‌کرد به مسئولان کشور نیز تأکید می‌کرد که ساده زندگی بکنند و این درسی است که حضرت امیرالمؤمنین (ع) ضمن بیان ویژگی تقواکاران یاد داده است و فرموده متقین آنهایی هستند که (مَلِكُهُمُ الْاِقْتِصَادُ - یعنی لباس متوسط می‌پوشند) (۳۶). قرآن کریم از زبان لقمان نیز بیان می‌دارد که حضرت لقمان به فرزند خود چنین وصیت کرد که: (وَأَقْصِدْ فِی مَشِیْکَ یعنی در رفتارت میانه‌روی کن) (۳۷). پس میانه‌روی یک ارزش اسلامی است بخصوص در مورد مدیران جامعه که به جهت الگو بودنشان باید شدیداً میانه‌روی و ساده‌زیستی در همه مظاهر زندگی را مراعات کنند.

## مدیریت امام و شایسته‌سالاری

از آنجایی که اسلام مکتبی ارزشی است مدیران آن نیز باید طبق ارزش انتخاب شوند. امیرالمؤمنین علی (ع) به مالک دستور می‌دهد که در انتخاب عمال و کارگزاران «توخ منهم اهل التجربة و الحیاء من اهل البیوتات الصالحة و

به هم ریختن حوزه مدیریت و سازمان اداره می شود. مدیر لایق و هشیار از نفوذ این آفت به حوزه مدیریت خود به موقع جلوگیری می کند و افراد متعلق را از اطراف خود دور و حوزه مدیریت را سالم می کند. بدیهی است اگر چنین نکند این آفت قبل از اینکه نابسامانی را در سازمان به وجود آورد، خود مدیر را با ناکامی روبه رو خواهد کرد.

حضرت امام (ره) باتوجه به آثار بد استفاده از تملق و خطرات نفوذ افراد متعلق در پستهای کلیدی، چنین افراد را از خود دور می کردند زیرا این گروه افراد می خواستند از طریق تملق خود را به امام نزدیک کرده و از اطرافیان و نزدیکان امام معرفی کنند و در ظاهر از امام جانبداری کنند تا بدین وسیله بتوانند به پستهای مهم دست پیدا کنند. حضرت امام (ره) با اعتقاد به شایسته سالاری<sup>(۳۹)</sup> و اینکه باید افراد شایسته از طریق قانون به مسئولیتها دست پیدا کنند به چنین افراد متعلق روی خوش نشان نمی دادند و آنان را از خود دور می کردند<sup>(۴۰)</sup>.

### توجه به مسائل دقیق و تیزبینی امام (ره)

از مسائلی که مدیر در حوزه مدیریت خود باید همواره به آن توجه داشته باشد و نقش سازنده آن را فراموش نکند دقت به مسائل، دقیق و تیزبین بودن، و توجه به نکات ریز است. احترام به قانون از ناحیه مدیر ولو در حوزه مدیریت خود، توجه داشتن به فعالیت ویژه و خارج از وظیفه افراد، مراعات کردن حال اعضای مجموعه در شرایط گوناگون بخصوص در گرفتاری، رعایت تساوی و عدم تبعیض در میان افراد و نمونه های دیگری از این قبیل همه و همه از مسائل دقیقی است که هرکدام در موفقیت مدیر و مجموعه زیر نظر، می تواند نقش مهمی را داشته باشد.

یکی از علل موفقیت حضرت امام (ره) به عنوان یک مدیر، داشتن چنین ویژگی است که ایشان حقاً در مسائل، دقیق و تیزبین بودند. رعایت حقوق دیگران، توجه

القدم فی الاسلام المتقدمة فانهم اکرم اخلاقاً... یعنی افرادی را انتخاب کن که دارای تجربه کاری و حیا باشند. از خانواده صالح بوده و پیش از همه اسلام آورده باشند که چنین افراد دارای اخلاق کریم بوده و...<sup>(۳۸)</sup>.

بنابراین، از نظر اسلام مدیریت و مسئولیتها از آن شایسته هاست همان طور که عقل نیز چنین می گوید. شاید مهمترین باقیات صالحات یک مدیر چیزی جز گزینش افراد شایسته به مسئولیتها نیست.

حضرت امام (ره) نیز چون پرورش یافته مکتب امیرالمؤمنین (ع) است، معتقد به شایسته سالاری بودند. اینکه وابستگان و اطرافیان خود را در مشاغل دولتی دخالت ندادند به احتمال زیاد می خواستند مسئولیتها براساس لیاقتها، کاردانی، تعهد، تخصص و تدین واگذار شوند، گزینش قانونمند بشود و بهانه به دست دیگر مدیران داده نشود که نزدیکان خود را به دورشان جمع کنند؛ و الا اگر هر مدیری افراد خاصی را که دارای شایستگی لازم نباشد و بدون داشتن لیاقت و طی مراحل قانونی به مقامی برگزیند طبعاً افرادی به مسئولیت دست پیدا می کنند که براساس لیاقت و کاردانی انتخاب نشده اند و این نتیجه ای جز زمین ماندن کارها ندارد و نهایتاً شکست حتمی است.

### طرد افراد متعلق

افرادی که بدون داشتن شایستگی لازم به موقعیتهای گوناگون دست می یابند بیشتر از تملق و چاپلوسی استفاده می کنند و این وسیله زشت ابزاری است که افراد ناشایسته برای قبضه کردن موقعیتهای آن استفاده می کنند. چنین افرادی همواره سعی می کنند خود را به هر نحو ممکن به مدیریت نزدیک و از موقعیت وی سوء استفاده بکنند. بدیهی است اگر برای رسیدن به مسئولیتها از این شیوه استفاده شود نهایتاً افراد نخبه و لایق و متخصص و متعهد کنار گذاشته خواهند شد و اینجاست که تمام بدبختیها شروع می شوند. پس تملق آفتی است که موجب



به نکات ریز، احترام به قانون و مسائلی از این قبیل همه دقیق بودن حضرت امام را حکایت می‌کنند. یکی از همراهان ایشان در پاریس می‌گوید: (۴۱) روزی مهمان زیاد آمده بود بعد از ناهار متوجه شدم که امام (ره) به آشپزخانه آمده‌اند و فرمودند امروز ظرف غذا زیاد است آدم کمکتان کنم. در ایام تولد حضرت مسیح (ع) امام فرمودند این رفت‌وآمدها برای همسایه‌ها زحمت ایجاد کرده است. برایشان هدیه تهیه کنید و از طرف من عذرخواهی بنمایید. هنگامی که هدیه‌ها آماده شد فرمودند خارجیها گل را دوست می‌دارند همراه هر هدیه یک شاخه گل نیز بدهید و این کار حضرت امام به قدری مؤثر افتاد که همهٔ جهانیان و خبرگزاریها را به اقامتگاه آن بزرگوار جلب توجه نمود. همچنین رعایت قانون در زندگی امام (ره) از مسائل لازم است که باید دقیقاً رعایت گردد لذا همواره به اجرای قانون و مقررات جمهوری اسلامی تأکید می‌ورزید و همه را از بی‌نظمی برحذر می‌داشت و حتی در استفتائات به این مسئله تأکید کرده است.

نکتهٔ شنیدنی از رعایت قانون توسط امام (ره): ایرانیانی که به زیارت امام (ره) به پاریس رفته بودند در ایام محرم برای احسان اباعبدالله... الحسین (ع) در اقامتگاه امام راحلمان گوسفندی را ذبح می‌کنند و مقداری از گوشت آن را به خانه امام (ره) می‌فرستند. حضرت امام (ره) فرمودند من از این گوشت نمی‌خورم چون تخلف از قانون ممنوعیت ذبح حیوان در خارج از کشتارگاه در پاریس - شده است! و امام نمی‌تواند کاری را که تخلف از قانون است ولو با عمل خود تأیید بکند زیرا رعایت قانون را لازم می‌دانند ولو دیار کفر باشد و الا هرج و مرج و بی‌نظمی به وجود می‌آید.

### نتیجه‌گیری

در نتیجه‌گیری از بحث در مورد مدیریت حضرت امام (ره) می‌توان چنین گفت که: پایه و شکل دهندهٔ

مدیریت حضرت امام (ره) و نیز ترسیم‌کنندهٔ مسیر و تعیین‌کنندهٔ مقصد آن، اصول و مبانی اعتقادی بوده و ایشان مقصدی جز مکتب نداشته است. او با مدیریت خود در عمل نشان داد که می‌توان بر مبنای ارزشهای الهی الگو و طرحی داد و بر همان ارزشها مدیریت نمود و حتی برگ برنده و توان فوق‌العاده رهبری، در مدیریت، از این ناحیه بوده است.

ضامن موفقیت وی در حوزهٔ مدیریت چیزی جز تزکیهٔ نفس و خودسازی مکتبی نبوده و ایشان با الگو قرار دادن مدیریت نهضت کربلا همانند سیدالشهداء (ع) هدفی جز رضای الهی نداشته است. واضح است که دارندهٔ چنین هدفی، هر قدمی را بردارد موفق است چه قدمهای بعدی را بتواند بردارد یا نه. برای همین بود که در این مسیر، راه و راهنمایی جز دستورهای مکتبی نداشته است.

مدیریت حضرت امام (ره) به عنوان مدیریتی بسیار موفق می‌طلبد که الگوی مدیران قرار گیرد و آنان با استفادهٔ بیشتر از این الگو به جهت داشتن نکات مثبت و قوت زیاد، به مدیریت خود توان بیشتر ببخشند. علاوه بر این، الگو قرار دادن این مدیریت به جهت سادگی و یژهٔ خود در درازمدت از هزینه‌های کلان مدیریتهای جامعه می‌کاهد و متقابلاً به نتیجه بهره‌وری فزونی می‌بخشد. بالاتر از همه اینکه این مدیریت می‌تواند موجب اتحاد و همدلی میان اقشار مختلف و مدیریتهای شود زیرا مدیریت حضرت امام (ره) توانست میان امام و امت یگانگی بی‌نظیری ایجاد کند به طوری که محبوبیت اولیهٔ امام (ره) به مرور زمان نه تنها کم نشد بلکه افزایش یافت که حقیقاً باید این قسمت را از معجزات مدیریت امام (ره) شمرد. پس، الگو قرار دادن چنین مدیریتی سبب یگانگی و صمیمیت بسیار قوی بین مدیران و اقشار مردم می‌شود و این ثبات و استحکام بنیانهای کشور را به دنبال خواهد داشت به امید آن روز

والحمد لله رب العالمین. □

## منابع

۱. افجه‌ای، دکتر علی اکبر، مدیریت اسلامی، جهاد دانشگاهی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۹، ص ۳۸.
۲. همان، ص ۲۹.
۳. قرآن کریم، سوره اسراء، آیه ۸۵.
۴. تمدن اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت امام (ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، ۱۳۷۷، ص ۲۲.
۵. اشرف سمنانی، غلامرضا، تحلیلی از مدیریت اسلامی در پنج سال حکومت امام علی (ع)، بعثت، تهران، ۱۳۶۸، ص ۲۴.
۶. قرآن کریم، سوره توبه، آیه ۱۲۸.
۷. «تمدن اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت امام (ره)»، همان، ص ۲۲.
۸. قرآن کریم، سوره عنکبوت، آیه ۶۹.
۹. وجدانی، مصطفی، سرگذشت‌های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی، ج ۳، پیام آزادی، تهران تابستان ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۱۲۱.
۱۰. همان، ج ۳، ص ۱۰۹.
۱۱. کلینی، محمد، اصول کافی، کتابفروشی اسلامی، ج ۳، باب اخلاص، حدیث آخر، ۱۳۹۲ قمری، ص ۲۹.
۱۲. تمدن اسلامی در اندیشه سیاسی امام (ره)، ص ۲۳.
۱۳. قرآن کریم، سوره طه، آیه ۲۵.
۱۴. همان، سوره انشراح، آیه ۱.
۱۵. سیدرضی، ابوالحسن محمد، نهج البلاغه، صبحی، کلمات قصار، شماره ۱۷۶.
۱۶. شبکه ۲ سیمای جمهوری اسلامی «برنامه مصلح قرن» روز جمعه ۷۸/۷/۱۶، ساعت ۲۰/۳۰، از انصاری.
۱۷. سیدرضی، ابوالحسن محمد، نهج البلاغه، خطبه ۳۷.
۱۸. وجدانی، مصطفی، سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی، ج ۲، ص ۵۸-۶۰.
۱۹. همان، ج ۱، ص ۱۱۷.
۲۰. ۲۱ و ۲۲، همان، ج ۲، صص ۱۳۱، ۱۳۸-۱۳۹.
۲۳. قرآن کریم، سوره الرحمن، آیه ۷.
۲۴. سیدرضی، نهج البلاغه، نامه شماره ۴۷.
۲۵. وجدانی، مصطفی، سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی، ج ۴، ص ۴۹.
۲۶. مجله حوزه، حوزه علمیه قم، شماره ۳۲، ۱۳۶۸، ص ۱۴۶.
۲۷. سیدرضی، ابوالحسن محمد، نهج البلاغه، تحقیق صبحی، خطبه ۲۲۴.
۲۸. وجدانی، مصطفی، سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی، ج ۱، ص ۱۸.
۲۹. مصاحبه با خانم دباغ، مجله پیام انقلاب، سپاه پاسداران، شماره ۵۴ و ۵۵، ۱۳۶۲.
۳۰. الحسینی العاملی، محمد، اثنی عشریه فی المواعظ العدویه، کتابفروشی مصطفوی، قم، بیتا، ص ۱۵۵.
۳۱. سیدرضی، محمد، نهج البلاغه، تحقیق صبحی، خطبه ۸۲.
۳۲. همان، خطبه ۲۲۴.
۳۳. وجدانی، مصطفی، سرگذشت‌های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی، ج ۲، ص ۸۲ و ۸۳.
۳۴. حقیقت، سیدصادق، علل و عوامل انقلاب، معاونت امور اساتید، بهمن ماه ۱۳۷۷، ص ۶۳.
۳۵. وجدانی، مصطفی، همان، ج ۱، ص ۱۰۵.
۳۶. سیدرضی، محمد، نهج البلاغه، تحقیق صبحی، خطبه ۱۹۳.
۳۷. قرآن کریم، سوره لقمان، آیه ۱۹.
۳۸. سیدرضی، محمد، نهج البلاغه تحقیق صبحی، نامه شماره ۵۳.
۳۹. ضمیمه روزنامه اطلاعات، ویژه یکصدمین سال تولد امام (ره)، روز سه‌شنبه ۶ مهر ۱۳۷۸، ص ۷.
۴۰. وجدانی، مصطفی، همان، ج ۲، ص ۹۲ به بعد.
۴۱. همان، ج ۴، ص ۵۸.